



## چک چکی های "کاکتوسی"!

مدتیست که گاه گاهی برنامه های "کاکتوس"، یکی از پروگرام های تلوزیون "یک" را جسته و گریخته تماشا میکنم، البته از طریق یوتیوب و بازهم البته بعضی برنامه ها را که اندک جالب می نمایند، خواهی نخواهی تا ختم آن تعقیب کرده و اکثر برنامه های "کاکتوس" را نمی شود نظر به بعضی دلایل، تا ختم تماشا کرد و به چرندیات مهمان آن گوش فرا داد.

هرچند مجری برنامه، از حق نگذریم، در کار خود وارد است، اما بدون چون و چرا، محدودیت های خود را دارد، به این معنی که قادر نیست بسا پرسش های مهم و حیاتی را از مهمانان خود مطرح کند، که قابل فهم است.

در این مختصر قصد آن ندارم تا در مورد برنامه ها و مجری پروگرام متذکره و چون و چرای آن و خوب و بد آن، تبصره کنم.

اما و مگر، یک اصل اساسی را که اکثریت مهمانان مراعات و تعقیب میکنند و شاید هم در همکاری تنگاتنگ با مسئولین تلوزیون "یک" باشد، مهمانان شرایط خود را جهت اشتراک در برنامه "کاکتوس"، گویا به کرسی می نشاندند و یک مشت افراد و اشخاص خریده شده و بلی قربان گویان خود را با خود به برنامه می آورند تا به عنوان تماشاجی در پروگرام شرکت ورزند و هر یک دقیقه و پنج دقیقه ای، به افتخار مهمان کف بزنند و چک چک کنند و به منزله چک چکی ها، گویا از مردم نمایندگی کنند و...، بعضاً هم اگر ملا و مولوی و طالب و چلی را در برنامه ها مهمان می کنند، آنان چون کف زدن و چک چک را خلاف دین و مذهب می دانند، "تکبیر" گویان معاش بگیر خود را با خود می آورند تا هر چند دقیقه ای گلو پاره کنند و نعره تکبیر سر دهند و... البته بسا مسائل دیگر و بیشمار پرسش ها و تبصره ها در مورد این برنامه ها و مهمانان آن وجود دارد که برای فعلاً از آن میگذرم، اما یک موضوع را در تازه ترین برنامه "کاکتوس" که جناب

"محمد عالم ساعی"، وکیل فعلی در ولسی جرگه و سابق والی ولایت فاریاب و از سرسپردگان سابق رشید دوستم، مهمان برنامه بودند، نمی شود نادیده و ناشنیده گرفت و از آن گویا سرسری گذشت.

هرچند می شود در مورد بسا پاسخ های غیر قابل قبول این جناب، صفحاتی نوشت "تا سیه روی شود هرکی در او غش باشد"، اما به منزله "زیره به کرمان بردن" است که از خیر آن می گذرم. ولی و اما و مگر یک سخن سفله مآبانۀ عالم خان ساعی را نمی شود ناشنیده گرفت. جناب ساعی به جواب سوال مجری برنامه در مورد محل تولد شان، داد سخن داده می گوید که متولد فلان ولایت است، خانمش متولد بهمان ولایت بوده، مادر شان از آن ولایت دیگر است و...، و خودش یک "افغانستانی" است. او که وکیل برحال ولایت تخار در ولسی جرگه است، او که داد از روشنفکری سر داده و گویا سند تحصیلات عالی از یک پوهنتون ترکیه دارد، او که داد از وطن پرستی میزند و او که در سالهای پسین والی و وکیل و چند چیز دیگر در حکومت های بادآورده بوده است و از خون ملت افغان تغذیه کرده است، حتی قانون اساسی افغانستان را خوانده است.

ماده چهارم قانون اساسی افغانستان با صراحت تمام می گوید "بر هر فرد از افراد ملت افغانستان، کلمه افغان اطلاق می شود."

حال یا این وکیل صاحب هرگز قانون اساسی افغانستان را خوانده و از آن بی اطلاع است، یا هم اینکه خوانده و اطلاع دارد، مگر آنرا قبول نداشته و بر آن باور ندارد، که در هر دو صورت، بدا به حال ملتی که وکیل شان چنین افراد و اشخاصی باشند.

و اما و مگر خدمت آن افرادی که یک مشت پول گرفته و صرف و تنها و فقط، جهت کف زدن و چک کردن به برنامه آورده شده اند و می شوند هنوز، یک شعر طنز بامزه و شامل حال این آقایان و خانم ها، از محترم "هارون یوسفی" را در ذیل پیشکش میکنم تا باشد بر هر کس و ناکسی، حق و ناحق چک چک نکنند و اگر تا هنوز نمی دانند و یا خود را دیده به دانسته به کوچۀ حسن چپ می زنند، بدانند که چهل سال بدبختی، چهل سال جنگ، چهل سال در بدری، چهل سال آوارگی، چهل سال جنگ و کشتار، چهل سال آتش و خون و خاکستر و...، همه و همه حاصل چک های یک مشت افراد زبون و وجدان فروخته است که کشوری را و ملتی را غرق در خون فرزندانش ساخته است.

تا چه زمانی برای هر کس و ناکسی و هر دزد و داره ماری، هر قاتل و جانی و وطن فروشی، چک چک می کنید!؟

بیدار شوید و آینده فرزندان تانرا با این چک چک ها نابود نکنید!!

## چک چک

هر کی رهبر شد، ما چک چک کدیم  
بی صدا و با صدا چک چک کدیم  
هر کجا با نام حزب و انقلاب  
شیشته و ایستاده پا چک چک کدیم  
با رفیقان و برادر های خود  
در عروسی و عزا چک چک کدیم  
عاقلان بالای چوب دار رفت  
بر سر دیوانه ها چک چک کدیم  
چون که طالب بر در کابل رسید  
شکر کردیم از خدا، چک چک کدیم  
کرزی آمد همراه ایزار خود  
خشتکش دیدیم ما، چک چک کدیم  
پای ناتو تا به ملک ما رسید  
از هری تا پکتیا چک چک کدیم  
تا که بشنیدیم ناتو میرود  
خوش شده بی انتها چک چک کدیم  
هر کی طنزی گفت اگر خوب و خراب  
ما شنیدیم، از حیا چک چک کدیم

از روی لطف به این شعر طنز زیبا، چک چک نکنید، هورا نکشید، تکبیر نگوئید، فقط آنرا  
سر مشق قرار دهید و به آن عمل کنید. همین و دیگر هیچ!